

خصوصی سازی یا تعاونی سازی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۰/۱۷

محمدعلی فیض پور*

سیدحسینعلی دانش**

هانیه پوش دوز باشی***

چکیده

چنانکه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا. هدف تغییر مالکیت بنگاه‌های اقتصادی از بخش دولتی به بخش‌های دیگر و با تأکید بر بخش تعاون و افزایش سهم این بخش تا ۲۵ درصد در اقتصاد ایران را دنبال کند، آنگاه با فرض صحت این تغییر، برای دفاع از ارجحیت تغییر مالکیت به بخش تعاونی به صورت بخشی که می‌توان در سایه آن اقتصاد اسلامی را در جامعه بسط داد، باید بتوان نشان داد بنگاه‌هایی که تحت این مالکیت فعالیت کرده‌اند عملکردی بهتر یا دست کم معادل بخش خصوصی یا دولتی داشته‌اند. چنانکه نتوان تمایز عمده‌ای میان عملکرد بنگاه‌های اقتصادی از این حیث مشاهده کرد، تأکید بر متغیر مالکیت، دست کم از نگاه اقتصادی، توجیه پذیر نخواهد بود. مقاله حاضر می‌کوشد تمایز عملکرد بنگاه‌های تولیدی بخش تعاون را در مقایسه با دو بخش خصوصی و دولتی مورد کنکاش قرار دهد. سرانه ارزش افزوده، بهره‌وری نیروی کار، بهره‌وری مزد و حقوق، اشتغال نسبی پدید آمده و سرانجام، رشد سریع شاغلان بنگاه‌های صنعتی ایران طی برنامه دوم و سوم توسعه به تفکیک مالکیت مبنای تحلیل‌های این پژوهش است. نتیجه‌های این مطالعه، بیانگر آن است که تعاونی سازی به جای خصوصی سازی فقط با ارتقای بهره‌وری در بخش تعاون نسبت به بخش خصوصی و در نتیجه دستیابی این بخش به سطحی از بهره‌وری معادل بخش خصوصی توجیه پذیر خواهد بود. واژگان کلیدی: اصل ۴۴ قانون اساسی، مالکیت، عملکرد، اقتصاد اسلامی، برنامه دوم توسعه.

طبقه‌بندی JEL: L10, E23, E24, G32, G18, H11

Email: m.a.feizpour@yazduni.ac.ir

Email: danesh@yazduni.ac.ir

Email: h.poushdouz@gmail.com

*. استادیار دانشگاه یزد.

** عضو هیئت علمی دانشگاه یزد.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه یزد.

مقدمه

به طور عمده تفاوت نظام‌های اقتصادی در دیدگاه آنها درباره مالکیت نهفته است و از این رو بحث مالکیت از مهمترین بحث‌های هر نظام اقتصادی شمرده می‌شود. چرا که با شناخت شکل مالکیت و حدود آن در هر نظام اقتصادی، می‌توان به موضع آن نظام درباره دیگر مسایل اقتصادی نیز پی برد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۲۱۹). به عبارت دیگر، دریافت صحیح از دیدگاه هر مکتب درباره مالکیت، نگرش آن مکتب درباره دیگر مسایل اقتصادی از جمله تولید، توزیع و مصرف را مشخص می‌کند.

در ایران، اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ج.ا.ا. را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار دانسته است. این اصل از قانون اساسی، تمام صنایع بزرگ، مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و ... را در اختیار دولت قرار داده است و به این صورت مالکیت این صنایع را عمومی می‌داند. اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاونی را شامل شرکت‌ها و مؤسسه‌های تعاونی تولیدی و توزیعی می‌داند که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل شده‌اند. این قانون آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدماتی که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است را مشمول بخش خصوصی قرار داده است. براساس این اصل، تا جایی که مالکیت در این سه بخش از محدوده قوانین اسلام و دیگر اصول قانون اساسی خارج نشده و رشد و توسعه اقتصادی کشور را باعث شود، مورد حمایت قانون قرار خواهد گرفت (منصور، ۱۳۸۵: ۴۸).

ابلاغیه رهبر معظم انقلاب، در جهت افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و کاهش بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۴ درباره سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گویای رویکرد نوینی در سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کشور و توجه به بخش‌های خصوصی و تعاونی است. بر این اساس، این پرسش که با پذیرش تغییر مالکیت از بخش دولتی به بخش‌های خصوصی یا تعاونی، آیا در عملکرد آنها نیز تمایز معناداری مشاهده خواهد شد، پرسشی ارزشمند است. تأکید بر تغییر مالکیت هر بنگاه اقتصادی، بدون توجه به عملکرد آن، دست‌کم از نگاه

اقتصادی توجیه پذیر به نظر نمی رسد و این در حالی است که در تمام اسناد توسعه کشور، توجه به عملکرد مناسب اقتصادی به موازات دیگر معیارهای عملکردی مانند معیارهای اجتماعی مدنظر بوده است. از این رو، مسئله اصلی که این پژوهش می کوشد پاسخی قانع کننده برای آن بیابد آن است که آیا عملکرد بنگاه های صنعتی ایران و با توجه به تعریف های ارائه شده از عملکرد در این پژوهش، تحت تأثیر مالکیت بنگاه خواهد بود؟

این موضوع خود می تواند نمایانگر ضرورت انجام پژوهشی در این حوزه که به ندرت با این دیدگاه مورد تحقیق قرار گرفته است، باشد، چنانکه نتوان اثر معنادار مالکیت را بر عملکرد آن نشان داد، اصرار بر تغییر مالکیت چندان منطقی نخواهد بود. این تغییر با بررسی عملکرد و تغییر آن در طول زمان و در نتیجه کشف نقاط ضعف و قوت می تواند به طور کامل توجیه پذیر بوده و از هر حیث ضرورت می یابد. با چنین رویکردی و از آنجا که کل بنگاه های صنعتی ایران که ۵۰۰ - ۱۰ نفر کارگر داشتند، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می دهد. تحقیق حاضر می کوشد به جای آزمون فرضیه به این پرسش پژوهشی که آیا عملکرد بنگاه های صنعتی ایران طی برنامه دوم و سوم توسعه تحت تأثیر مالکیت بوده است یا خیر؟ پاسخ دهد. بر این اساس، روش این پژوهش نیز روش توصیفی - تحلیلی است که داده های مورد نیاز آن از راه مطالعه کتابخانه ای و با استفاده از داده های سرشماری کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارگر و بیشتر به وسیله مرکز آمار ایران، جمع آوری شده است.

مطالعه حاضر در ۷ بخش تدوین شده است. پس از مقدمه (به عنوان بخش نخست)، بخش دوم به جایگاه مالکیت آن در مکتب های اقتصادی و تأثیر آن بر عملکرد بنگاه پرداخته است. ادبیات موضوع در حوزه بخش تعاون و عملکرد آن، همچنین پیشینه پژوهش های انجام شده در این باره در بخش سوم ارائه شده است و بخش چهارم به معرفی معیارهای اندازه گیری عملکرد بنگاه های اقتصادی اختصاص دارد. چگونگی جمع آوری و توصیف داده های این مطالعه، بخش پنجم را تشکیل داده است. سرانجام پس از محاسبه معیارهای معرفی شده در بخش ششم، نتیجه ها، جمع بندی و نتیجه گیری از بحث های ارائه شده به صورت بخش پایانی آمده است.

جایگاه مالکیت در مکتب‌های اقتصادی و اثر آن بر عملکرد بنگاه

اقتصاددانان اسلامی براساس آنچه از مجموع احکام و مقررات فقه درباره مسایل اقتصادی به دست می‌آید، سه‌گونه مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی را می‌پذیرند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۲۲۸). بر این اساس می‌توان اقتصاد اسلامی را از جهت نگاه به مالکیت از دیگر مکتب‌های اقتصادی مانند: سرمایه‌داری و سوسیالیسم متمایز کرد، هر یک از این دو مکتب، یک شکل از مالکیت - خصوصی یا عمومی - را به عنوان اصل پذیرفته و انواع دیگر را حالتی استثنایی، و براساس ضرورت پیشنهاد کرده‌اند. نظام سرمایه‌داری انگیزه‌های شخصی و تمایل‌های فردی را به صورت حق طبیعی قرار داده و به همین علت مالکیت شخصی را اصل می‌داند. اندیشه سوسیالیسم باور دارد هر فرد تمام ویژگی‌ها و خصلت‌های انسانی خود، از جمله قدرت خلاقیت، درک، آگاهی و توان استخدام طبیعت، را از فعالیت‌های تولیدی و اجتماعی به دست آورده و از این رو مقتضای چنین بینشی آن است که مالکیت عمومی را سرلوحه قرار دهد (همان: ۲۲۷).

در اسلام، اگرچه براساس آیه‌ها و روایت‌ها مالکیت حقیقی از آن خداوند است،* اما اسلام انسان را در جایگاه محور جهان هستی و خلیفه الهی معرفی کرده (طباطبایی، بی‌تا: ۱۱۶) که در پرتوی دو عنصر آگاهی و اراده دارای قدرت خلاقیت و انتخاب است. به عبارت دیگر، مالکیت فرد در طول مالکیت خداوند متعال قرار دارد و از این رو نمی‌توان تضادی بین مالکیت حقیقی خداوند و اعتباری انسان مشاهده کرد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۲۲۶). این موضوع یکی از مهم‌ترین مبانی اقتصاد اسلامی بوده و بر این اساس، مالکیت خصوصی در اسلام نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. اما، پیدایش این رابطه و حدود آن باید در ارتباط با فطرت و عقل از یک طرف، و با عدالت اجتماعی از طرف دیگر تبیین شود. اسلام منابع موجود، اسباب قانونی، اسباب قهری، اسباب ارادی و حقوق انتقالی را سرچشمه مالکیت خصوصی معرفی می‌کند. بنابراین نظام اقتصادی اسلام مصلحت‌های فردی و اجتماعی را در نظر گرفته و برای تحقق آنها انواع مالکیت را، اعم از مالکیت دولت (امام)، مالکیت عمومی و مالکیت خصوصی، معرفی کرده است، به طور مثال،

*. لله ما فی السمواتِ و ما فی الارض، رَبِّ الْعَالَمِینَ، الْمَالُ مَالُ اللَّهِ، و

در اسلام مالکیت خصوصی شیوه‌ای برای اقدام افراد جامعه به منظور انجام مسؤلیت‌های خود درباره خلافت الاهی است (همان: ۱۴۳). افزون بر آن، در اسلام، همکاری در کارهای نیک و در جهت حل مشکل‌ها و نیازمندی‌های اجتماعی و اقتصادی به تعاون تعبیر شده است و از توصیه‌های اقتصاد اسلامی شمرده می‌شود.

اصل تعاون بیانگر مسؤلیت افراد و نگاه‌ها در فعالیت‌های اقتصادی درباره یکدیگر است و بر این اساس، این مسؤلیت نه تنها مسببان ورشکستگی بنگاه‌های دیگر را پدید نمی‌آورد، بلکه داوطلبانه با کمک‌رسانی و واگذاری فرصت‌های رشد درآمدی به دیگران، از سقوط آنها جلوگیری می‌کند (همان: ۱۵۰). با این همه، پذیرش هر یک از انواع مالکیت‌های پیش‌گفته، در بُعد اقتصادی آثار متمایزی را در پی خواهد داشت. در اقتصادی که مبنای آن مالکیت خصوصی است، بنگاه‌های اقتصادی نیز رفتار خود را براساس شرط حداکثر کردن سود که در برخی موارد حداکثر رفاه جامعه را تضمین می‌کند، تنظیم می‌کنند. این در حالی است که در اقتصاد دولتی، اصولاً، منافع و رفاه اجتماعی به جای سود فردی حداکثر می‌شود. در این میان اقتصاد تعاونی را شاید بتوان حالتی در نظر گرفت که در آن تابع رضایت‌مندی حداکثر می‌شود که این عنوانی عام‌تر از منافع فردی و رفاه اجتماعی است و برای آن نیز معیارهای متمایزی مانند چگونگی توزیع درآمد در سطح فردی یا منطقه‌ای قابل تعریف است. براساس آنچه از بسیاری از آیه‌ها و روایت‌ها و نیز منابع موجود دیگر در اقتصاد اسلامی استنباط می‌شود، هدف به حداکثر رساندن سود نه به‌طور کلی نهی شده و نه بی‌قید و شرط پذیرفته شده است (انصاری و همکاران، ۱۳۷۸: ۸۳). از سوی دیگر این هدف فقط به بنگاه‌های بخش خصوصی هم تعلق ندارد بلکه بنگاه‌های دولتی و تعاونی نیز در برخی مواقع مجازند حداکثر کردن سود را هدف خود انتخاب کنند. اگر هدف به حداکثر رساندن سود به‌وسیله بنگاه‌های خصوصی به منافع و رفاه اجتماعی لطمه زند (مانند آنچه در انحصار کامل ممکن است واقع شود) نه انسان مسلمان آگاه، حتی اگر شرایط انحصار را نیز داشته باشد از لحاظ اخلاقی می‌پسندد و براساس آن عمل می‌کند و نه دولت قانوناً این اجازه را به بنگاه انحصاری می‌دهد. از سوی دیگر، چنانکه پی‌گیری هدف حداکثرسازی سود به‌وسیله بنگاه دولتی یا تعاونی تعارضی با هدف حداکثرسازی منافع و رفاه اجتماعی نداشته باشد یا به آن کمک کند امری قابل قبول یا

ضرور است. بنابراین نباید از شاخص نرخ سود تحقق یافته بنگاه‌ها به صورت معیاری عمومی برای ارزیابی و مقایسه عملکرد انواع بنگاه‌هایی که تحت مالکیت‌های متفاوت فعالیت می‌کنند، استفاده کرد. هر چند نمی‌توان ادعا کرد که دولت و مردم و بنگاه‌هایی که تحت مالکیت سه‌گانه فعالیت کرده‌اند به طور کامل براساس آموزه‌های پیش‌گفته عمل کرده باشند. با این وجود، جدا از آنکه بنگاه‌های اقتصادی کدام هدف را دنبال کنند، فرض اصلی این پژوهش آن است که با تغییر مالکیت، بنگاه عملکردی مانند بنگاه‌هایی که تحت این مالکیت فعالیت می‌کرده‌اند خواهد داشت.

ادعا بر این است که مالکیت تعاونی به صورت ساختار ویژه‌ای از مالکیت، که بیشتر مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است و با آنها سازگاری بیشتری دارد، و اقتصاد اسلامی نیز از این مجرا تحقق می‌یابد (توتونچیان، ۱۳۸۴)، تابع رضایت‌مندی (Satisficnig Models) — که می‌تواند در برخی موارد با حداکثرسازی سود همسو باشد — را حداکثر می‌کند. از این رو و براساس حداکثرسازی رضایت در بنگاه تعاونی، برآورده شدن نیاز اعضای تعاونی و پاسخ به انگیزه‌های آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده اما حداکثر کردن رضایت الزاماً هم‌سو با سودآوری حداکثر نیست. با این همه چنانکه بخش تعاون توانسته باشد عملکردی مانند بخش‌های دیگر داشته باشد یا بتوان این توانایی را در عملکرد آن انتظار داشت، می‌توان تعاونی‌سازی را در مقایسه با خصوصی‌سازی، به‌ویژه هنگامی که این بخش به موازات بخش‌های دیگر اقتصادی و در رشته‌هایی مشابه فعالیت می‌کنند، توجیه کرد.

بهره‌وری نیروی کار (بر حسب ارزش تولید و ارزش افزوده) و بهره‌وری مزد و حقوق، اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع به صورت معیارهای عملکردی در مقاله حاضر در نظر گرفته شده است. در حالی که معیارهای بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری مزد و حقوق را می‌توان به صورت معیارهای عملکردی درونی شمرد. دو معیار اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع به صورت معیارهای عملکردی بیرونی طبقه‌بندی می‌شود. در این جهت و در شرایطی که معضل بیکاری عمده‌ترین موضوع اقتصاد ایران است، بخش تعاون نیز باید بتواند نشان دهد که توانسته است همپای بخش‌های دیگر و در جهت حل این مشکل اقتصادی — اجتماعی شغل پدید آورد و از این رو این دو معیار معرفی شده است. این مورد از وظیفه‌های مهمی است که به وضوح در برنامه‌های توسعه بر عهده بخش تعاون قرار داده

شده است، به طور نمونه می توان به تبصره ۱۰ ماده نخست برنامه دوم توسعه اشاره کرد که براساس آن، در جهت اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، دولت مکلف شده است در جهت پدیدساختن تعادل در سهم بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور و هم چنین افزایش سهم فعالیت های اقتصادی بخش تعاونی به منظور کمک به پدیدساختن اشتغال، حمایت های لازم را به عمل آورد. در سند چشم انداز توسعه کشور نیز افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنجم، هم چنین اقدام مؤثر دولت در پدیدساختن تعاونی ها برای بیکاران در جهت اشتغال موکد در اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی از هدف های کلی بخش تعاونی قرار گرفته است. افزون بر این، ارتقای سهم بخش تعاونی در تولید ناخالص داخلی به ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۸ و ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۴، پدیدساختن ۲/۴ میلیون فرصت شغلی در قالب ۱۴۱ هزار تعاونی جدید، هم چنین افزایش سهم صندوق تعاون و بانک توسعه تعاون در تسهیلات سرمایه گذاری مورد نیاز تعاونی ها از ۸ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۳۰ درصد کل تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۸ از هدف های کمی این بخش طی دوره ۸۸ - ۱۳۸۴ قرار گرفته است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۵: ۲۹۵).

با این همه، می توان گفت اگرچه بخش تعاون در سال های اخیر و در جهت حل مشکلات اقتصادی از جمله اشتغال، مورد توجه قرار گرفته اما، با وجود کامیابی در برخی زمینه ها، در زمینه فعالیت های صنعتی هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است (سوری، ۱۳۸۴: ۲۳۶). بنابراین، از آنجا که دولت در سال های بعد از پیروزی انقلاب برخورد مساعد و کارساز خود با بخش تعاون را با اعطای تسهیلاتی برای تعاونی های روستایی، پیش بینی و ام های بدون بهره و سود جهت تعاونی های اشتغال زا در سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی آغاز کرده و به تدریج در قانون های بودجه سالیانه تبصره های متعددی به این امر مهم اختصاص داده است (شیخی، ۱۳۸۷)، انتظار می رود نسبت به بخش دولتی و به ویژه بخش خصوصی از عملکرد بهتر یا دست کم برابر با بخش های دیگر برخوردار باشد. موضوعی که بررسی آن هدف اصلی مقاله حاضر را تشکیل می دهد.

مروری بر پژوهش های انجام شده

از بدو تاریخ، فعالیت های اقتصادی انسان عدالت و بی عدالتی بسیاری را به خود دیده و

در برخی مقاطع زمانی فعالیت‌های اقتصادی به اخلاقیات نزدیک شده و در برخی مقاطع، از یکدیگر فاصله گرفته‌اند که نتیجه آن انواع بی‌عدالتی و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، پدید آمدن شکاف‌های طبقاتی و به تبع آن فقر و محرومیت بخش‌هایی از جوامع انسانی بوده است. در این جهت ادعا بر آن است که پدیدساختن تعاونی‌ها و به عبارت دیگر، انجام فعالیت‌های اقتصادی به شکل تعاونی در قرن نوزدهم یکی از بزرگترین نوآوری‌های بشری است که با آغاز انقلاب صنعتی و افزایش فاصله میان طبقات اجتماعی مطرح شده است (وزارت تعاون، ۱۳۸۲: ۷۲). با این وجود، همراه با تحول در جهان و نظام‌های سیاسی و اقتصادی، تعاونی‌ها نیز از این جهت مستثنا نبوده و در طول حدود ۱۶۰ سال که از پدید آمدن آنها می‌گذرد، دستخوش برخی تغییرها شده‌اند اما با وجود این تغییرها، اصول و قواعد تعاونی‌ها ثابت مانده است (همان: ۸۴ - ۷۹).

بخش تعاون در جایگاه یکی از سه بخش اقتصادی کشور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های ناشناخته‌ای دارد که هرگونه کوشش در جهت بازشناسی و معرفی آنها در اقتصاد کشور، زمینه‌ساز بهبود وضعیت اقتصادی و گسترش توسعه در کشور خواهد شد. این بخش نه تنها عدالت اقتصادی را هدف قرار داده و به پیوندهای اجتماعی و ارتباطات انسانی، هم‌چنین بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی گروه‌های انسانی توجه دارد، بلکه کارایی و سودآوری اقتصادی را نیز در فعالیت‌های گوناگون مدنظر قرار داده است (جعفرپیشه، ۱۳۸۴: ۲۲۵).

اگرچه پژوهش‌های متعددی به مطالعه عملکرد بنگاه‌های تولیدی در بخش‌های گوناگون اقتصاد پرداخته است اما مطالعه‌هایی که به مقایسه عملکرد این بنگاه‌ها به تفکیک مالکیت پردازد کمتر به چشم می‌خورد. مطالعه درباره مقایسه عملکرد شرکت‌های تعاونی مصرف و فروشگاه‌های بخش خصوصی برای جلب رضایت خریداران کالاهای مصرفی در مشهد یکی از این مطالعه‌ها است. نتیجه این مطالعه که به وسیله طرح اشتغال ویژه بخش تعاون در وزارت تعاون و در سال ۱۳۸۲ انجام شده، حاکی از آن است که بخش خصوصی به ۹۴ درصد از پتانسیل قابل تصور در پدیدساختن رضایت اجتماعی مصرف‌کنندگان دست یافته است؛ در حالی که این نرخ برای تعاونی‌های مصرف ۶۵ درصد است. این مطالعه عقب‌ماندن بخش تعاونی از خصوصی را تهدید جدی دانسته و باور دارد تعاونی‌ها به‌رغم

اینکه دارای هویت اجتماعی دارند باید از نقطه نظر اقتصادی نیز کامیاب باشند.

سایه میری در مقاله «اندازه گیری و تحلیل بهره‌وری در تعاونی‌های تولیدی در مقایسه با بخش خصوصی» به مقایسه عملکرد واحدهای تولیدی خصوصی و تعاونی از راه محاسبه میزان بهره‌وری در استان ایلام پرداخته است. جامعه آماری این مطالعه را ۸۳۰ واحد تولیدی تعاونی و خصوصی در سه بخش کشاورزی، صنعت و فرش دستباف در استان ایلام تشکیل می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد به رغم تفاوت مقدار بهره‌وری در واحدهای گوناگون، شاخص‌های محاسبه شده تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته و از این نظر بخش تعاونی هم‌پای بخش خصوصی عمل کرده است و در صورت توجه مدیران واحدهای تعاونی به معیارهای افزایش بهره‌وری، خواهند توانست همپای مدیران کامیاب بخش خصوصی و حتی کامیاب‌تر از آنان عمل کنند (سایه میری، ۱۳۸۴: ۲۱۵ - ۱۷۹).

سوری (۱۳۸۴) در مطالعه خود به بررسی وضعیت موجود بنگاه‌های بزرگ صنعتی بر حسب تعاونی، خصوصی و دولتی و مقایسه کارایی آنها می‌پردازد. نتیجه‌های این مطالعه نشان می‌دهد که از نظر تعداد بنگاه‌ها، در برابر سهم بیش از ۸۷ درصدی بخش خصوصی، بخش دولتی حدود ۱۰ درصد و بخش تعاون فقط ۲/۴ درصد از کل بنگاه‌های صنعتی بزرگ را به خود اختصاص داده و از لحاظ تعداد شاغلان نیز سهم بخش تعاونی فقط ۱/۲ درصد است، در حالی که ۶۲/۴ درصد مربوط به بخش خصوصی و ۳۶/۳ درصد به بخش دولتی است. اگرچه براساس نتیجه‌های این مطالعه سهم تعاونی‌ها از کل بنگاه‌ها ۲/۴ درصد است، اما سهم ۱/۲ درصدی آنان از شاغلان ناشی از این است که تعاونی‌ها اغلب بنگاه‌هایی کوچک هستند. کارایی بیشتر بخش دولتی نسبت به بخش‌های دیگر از دیگر نتیجه‌های این مطالعه است. در حالی که بخش‌های تعاونی و خصوصی از کارایی به نسبت یکسانی برخوردار هستند.

صمدی و تابنده (۱۳۸۴) در مقاله «جایگاه بخش تعاون در اشتغال‌زایی» ساختار اشتغال و وضعیت شاغلان را تحلیل کرده است. در این مطالعه با استفاده از داده‌های سال ۱۳۷۵ و تکنیک مکانی LQ، نقش هر یک از بخش‌های خصوصی، دولتی و تعاونی در اشتغال‌زایی به تفکیک استان‌های کشور مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه‌های این مطالعه نشان می‌دهد که یزد و سیستان و بلوچستان استان‌هایی هستند که در آنها میزان اشتغال‌زایی

بخش تعاون بیشتر از میانگین کل کشور است (صمدی و تابنده، ۱۳۸۴: ۱۱۹ - ۹۹).

رسولی آذر و چیدری در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جایگاه تعاونی‌های کشاورزی در اشتغال مولد و کارآفرین» با تبیین نقش گسترش فرهنگ تعاونی به منظور کمک به رونق اقتصادی، تعاونی‌های کشاورزی را پتانسیل‌های ارزشمندی درباره توسعه و اشتغال مولد می‌دانند که باید مورد توجه جدی قرار گیرد (وزارت تعاون، ۱۳۸۷: ۲۱).

صفری نیز در مطالعه خود نقش و جایگاه بازنشستگان را در فعالیت‌های کارآفرینی و توسعه اشتغال بیان کرده و هدایت آنها به سوی تعاونی‌ها را زمینه‌ساز فعالیت‌های اقتصادی کشور در جهت سیاست‌ها و برنامه‌های بخش تعاون کشور می‌داند (همان: ۲۲).

امیرمحمدی و همکارانش نیز مطالعه خود به نقش تعاونی‌ها در پدید آوردن فرصت‌های شغلی به‌وسیله بنگاه‌های کوچک برای رفع مشکل بیکاری پرداخته‌اند (همان: ۵۰).

ایمنی و مهاجری در مطالعه «توسعه اشتغال و کارآفرینی روستایی با استفاده از خوشه‌های تعاونی» با اشاره به نقش‌آفرینی بنگاه‌های کوچک و متوسط در جنبه‌های گوناگون اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و عاملی راهبردی در کشورهای در حال توسعه برای توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی، باور دارند در حالی که بیش از ۹۰ درصد از واحدهای تولیدی ایران در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، به علت نداشتن استراتژی مشخص نتوانسته‌اند سهم قابل‌توجهی را در تولید ناخالص ملی و پدیدساختن ارزش افزوده به خود اختصاص دهند. آنان در مطالعه خویش، خوشه‌ها را یکی از الگوهای کامیاب ساماندهی کسب و کارهای کوچک معرفی می‌کنند (همان: ۶۳).

شمشاد و همکارانش در مطالعه‌ای اشتغال‌زایی بخش تعاون را در تحقق هدف‌های دولت مورد آزمون قرار داده‌اند. جامعه آماری این مطالعه را ۱۳۵ نفر از اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های منابع طبیعی استان گلستان تشکیل داده است. نتیجه‌های حاصل از این مطالعه اثر مثبت تعاونی‌ها بر میزان اشتغال‌زایی را نشان داده و ۴۲ درصد از عامل‌های مؤثر بر میزان اشتغال‌زایی به‌وسیله تعاونی‌های منابع طبیعی را تبیین کرده است (همان: ۸۳).

سرآبادانی در مطالعه خود به جایگاه تعاون در ایران، قانون اساسی و اقتصاد اسلامی اشاره کرده است و باور دارد که فعالیت اقتصادی تعاونی‌ها از نظر فقهی بی‌اشکال به نظر می‌رسد. وی برنامه‌ریزی دقیق‌تر و جدی‌تر در امر تعاون را در گسترش و توسعه این بخش

مؤثر می‌داند. نتیجه‌های مطالعه سرآبادانی به افزایش اهمیت بخش تعاون و تأثیر آن در توسعه و تحول اقتصادی، همچنین تأیید و تأکید اسلام بر آن است. وی باور دارد می‌توان تعاون را یکی از پایه‌های اساسی پیروزی و تداوم حیات اسلام نامید (سرآبادانی، ۱۳۸۳). بر این اساس و با توجه به مطالعه‌های پیش‌گفته، اگرچه تاکنون مطالعه‌های متعددی در حوزه اشتغال‌زایی بخش تعاون انجام شده است، اما هیچ‌کدام به این مقوله با توجه به رویکردی که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است، نپرداخته‌اند.

معیارهای اندازه‌گیری عملکرد بنگاه‌های اقتصادی

اگرچه معیارهای متفاوتی برای سنجش و ارزیابی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی معرفی شده است اما معیارهای بهره‌وری، رشد بنگاه و سودآوری را می‌توان مهمترین معیارهای این حوزه قلمداد کرد. از این‌رو در مطالعه حاضر برای تبیین عملکرد بنگاه‌های بخش تعاون در مقایسه با بخش خصوصی و دولتی از معیارهای بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید و ارزش افزوده)، بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی، اشتغال نسبی پدیدآمده و سرانجام رشد سریع شاغلان بنگاه استفاده شده است. اگرچه معیارهای معرفی شده به صورت معیارهای عملکردی می‌تواند معیارهایی ارزشمند و در خور توجه باشد، اما در بسیاری از متون این حوزه، عملکرد بنگاه‌های تعاونی نه با معیارهای پیش‌گفته، بلکه با معیارهای توزیعی سنجیده شده است. به عبارتی فرض بر این است که بنگاه تعاونی افزون بر پرداختن به معیارهای سودآوری به چگونگی توزیع آن نیز توجه ویژه دارد، به‌طور مثال، پرداخت سود محدود به سرمایه سهمی اعضا و پرداخت بقیه سود به صورت مازاد برگشتی به نسبت معامله‌های اعضا از اصول آن شمرده می‌شود (اسعدی و بیگلری، ۱۳۸۴: ۹۴ - ۹۳ و رحیمی، ۱۳۸۴: ۴۱۶). بنابراین، در اصول تعاون نیز می‌توان توجه به توزیع سود را مشاهده کرد. با توجه به پیش‌گفته اگرچه می‌توان نگرش توزیع عادلانه و توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از هر فعالیت اقتصادی در قالب تعاونی را در جایگاه اصلی در این نوع مالکیت پذیرفت،* اما این نکته نیز نباید نادیده گرفته شود که بنگاه تعاونی فقط زمانی می‌تواند به فعالیت اقتصادی خویش ادامه دهد که از عملکردی دست‌کم مشابه دیگر بنگاه‌های فعال

*. به‌طور مثال می‌توان به استفاده مؤثر از قابلیت‌های بخش تعاونی در استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها به صورت یکی از هدف‌های کلی توسعه بخش تعاونی در تحقق چشم‌انداز بلندمدت توسعه اشاره کرد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵: ۲۹۳).

اقتصادی در همان رشته برخوردار باشد. در غیر این صورت اصولاً سودی وجود نخواهد داشت که به صورت عادلانه یا غیر عادلانه توزیع شود.

براساس مطالعه‌های موجود، اگرچه عملکرد بخش تعاون با استفاده از معیارهای متفاوت و در بخش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است، اما براساس اطلاعات محققان این پژوهش تاکنون پژوهشی که در آن به طور همزمان معیارهای اساسی سوددهی بهره‌وری نیروی کار بر حسب تولید و ارزش افزوده، بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی، اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع شاغلان مدنظر قرار گرفته باشد، وجود ندارد. از این رو پژوهش حاضر کوشیده است تا با استفاده از معیارهای پیش‌گفته، تصویر روشنی را از عملکرد بخش تعاون در مقایسه با دیگر بخش‌ها براساس معیارهای پیش‌گفته ارائه کند. در میان معیارهای معرفی شده می‌توان معیارهای بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری مزد و حقوق را به صورت معیارهای سودآوری تلقی کرد که می‌تواند با هدف‌های مدیران و سهامداران هر بنگاه تولیدی سازگاری کامل داشته باشد. دو معیار اشتغال نسبی پدیدآمده و نیز رشد سریع اشتغال معیارهایی اقتصادی - اجتماعی است که می‌توان آنها را با خاستگاه سیاست‌های اقتصادی و در وضعیتی که بیکاری به صورت عمده‌ترین معضل پیش‌روی جامعه تلقی می‌شود، همسو در نظر گرفت. با توجه به این معیارها، زمانی تغییر مالکیت از دولتی به تعاونی قابل دفاع خواهد بود که بتوان تفاوت معناداری را بین عملکرد بنگاه‌های با مالکیت تعاونی، نسبت به خصوصی یا دولتی نشان داد یا در آینده انتظار داشت.

داده‌ها، روش جمع‌آوری و وصف آنها

در تحقیق حاضر بنگاه‌های صنعتی ایران طی برنامه دوم و سوم توسعه مبنای مقایسه عملکرد بنگاه‌های با مالکیت‌های تعاونی، خصوصی و دولتی* قرار گرفته و اطلاعات مورد

*. اگرچه قانون اساسی مالکیت را به سه نوع تعاونی، خصوصی و دولتی تقسیم کرده است، اما مرکز آمار ایران آن را به سه بخش تعاونی، خصوصی و عمومی تفکیک کرده است. از آنجایی که در مقاله حاضر از داده‌های مرکز آمار ایران استفاده شده است، بنابراین تعریف این مرکز به کار برده شده و مالکیت عمومی و دولتی مترادف هم در نظر گرفته شده است. طبق تعریف این مرکز، مالکیت عمومی (دولتی) در بخش صنعت به کارگاه‌هایی اطلاق می‌شود که تمام یا بیش از ۵۰ درصد سرمایه آنها متعلق به وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، بانک‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و دیگر مؤسسه‌های بخش عمومی باشد. مالکیت تعاونی نیز به کارگاه‌هایی تعلق می‌گیرد که به صورت شرکت تعاونی به ثبت رسیده و تمام یا بیش از ۵۰ درصد از سهام آنها متعلق به اعضای تعاونی باشد. مالکیت خصوصی (غیر تعاونی) منظور کارگاه‌هایی است که تمام یا بیش از ۵۰ درصد از سرمایه آنها متعلق به افراد باشد.

نیاز از راه مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است. داده‌های این مرکز شامل بسیاری از متغیرهای لازم جهت تحلیل‌های اقتصادی بوده و دستیابی به آنها قدم بزرگی در راه انجام پژوهش‌های صنعتی شمرده می‌شود. این داده‌ها براساس معیارهای عملکردی مورد استفاده به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخست مربوط به داده‌های مورد استفاده در محاسبه معیارهای بهره‌وری عامل تولید نیروی کار و مزد و حقوق پرداختی و بخش دوم. داده‌های مورد استفاده برای محاسبه اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع شاغلان بنگاه‌های موجود به تفکیک مالکیت را در برمی‌گیرد.

۱. داده‌های مرتبط با معیارهای بهره‌وری نیروی کار و مزد و حقوق پرداختی

سنجش عملکرد مالکیت‌های سه‌گانه با استفاده از معیارهای بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری مزد و حقوق براساس اطلاعات مربوط به ۱۱۰۲۵ بنگاه تولیدی ایران با ۵۰۰ - ۱۰ نفر کارگر در سال ۱۳۷۴ (سال ابتدای برنامه دوم) صورت گرفته است. برای مقایسه عملکرد این بنگاه‌ها در بخش‌های سه‌گانه مالکیت نیز، وضعیت آنها تا سال پایانی برنامه سوم توسعه مدنظر قرار گرفته است. به عبارت دیگر، از آنجایی که هر ساله تعداد فراوانی از بنگاه‌های تولیدی به صنایع ایران وارد و تعداد فراوانی نیز خارج می‌شود، تحقیق حاضر به منظور دقت در بررسی روند عملکرد بنگاه‌ها، فقط وضعیت همان ۱۱۰۲۵ بنگاه تولیدی را تا پایان برنامه سوم مدنظر قرار داده و ورود بنگاه‌ها به صنایع تولیدی در سال‌های دیگر برنامه دوم و سوم را کنترل کرده است. بر این اساس، با توجه به خروج این بنگاه‌ها در دوره مورد مطالعه، تعداد آنها در سال پایانی برنامه سوم به ۵۰۷۵ بنگاه تقلیل یافته است.

وصف ویژگی‌های بنگاه‌های مورد بررسی در سال ابتدای دوره مورد مطالعه در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. از مجموع ۱۱۰۲۵ بنگاه صنایع تولیدی ایران در سال ۱۳۷۴، بیش از ۸۸ درصد از آنها (۹۷۲۵ بنگاه) در بخش خصوصی، فقط ۲۵۷ بنگاه در بخش تعاون (۲/۳ درصد) و بقیه در مالکیت بخش عمومی فعالیت داشته‌اند و بنگاه‌های بخش تعاون توانسته‌اند حدود ۱/۲ درصد از اشتغال این سال را پوشش دهند، موضوعی که خود نمایان‌گر کوچک‌بودن بنگاه‌های این بخش و نیز سهم اندک آنها در اقتصاد است. بخش خصوصی با بیشترین تعداد بنگاه‌ها، حدود ۵۶ درصد از کل اشتغال را در بر گرفته است.

جدول ۱: توزیع بنگاه‌ها به تفکیک وضعیت مالکیت در سال ۱۳۷۴

نوع مالکیت	بنگاه‌ها		کل شاغلان		متوسط شاغلان
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
تعاونی	۲۵۷	۲.۳	۹۳۳۴	۱.۲	۱۸
خصوصی	۹۷۲۵	۸۸.۲	۴۴۰۷۳۲	۵۵.۶	۱۹
عمومی	۱۰۴۳	۹.۵	۳۴۲۹۰۶	۴۳.۲	۹۴
جمع	۱۱۰۲۵	۱۰۰	۷۹۲۹۷۲	۱۰۰	۲۱

منبع: یافته‌های محقق.

متوسط تعداد شاغلان در هر بنگاه به تفکیک مالکیت، از دیگر معیارهای مناسب در تحلیل تغییر مالکیت است. مطابق جدول شماره ۱ بنگاه‌های بخش تعاون اگرچه در متوسط شاغلان نزدیک به بخش خصوصی هستند، اما کمترین سرانه شاغلان را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، از آنجایی که بین سرانه تعداد شاغلان در دو بخش تعاونی و خصوصی، تمایز چندانی وجود ندارد، (به ترتیب ۱۸ و ۱۹) نمی‌توان فقط با استفاده از متوسط اندازه بنگاه درباره تغییر مالکیت از عمومی به تعاونی یا خصوصی قضاوت کرد. از این رو، دیگر معیارهای عملکرد نیز به صورت مبنایی برای این تغییر مدنظر قرار گرفته است.

۲. داده‌های مرتبط با معیارهای اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع بنگاه

افزون بر معیارهای بهره‌وری نیروی کار و مزد و حقوق، اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع بنگاه‌ها به صورت معیارهایی که مدنظر سیاست‌گذاران اقتصادی است برای مقایسه عملکرد بنگاه‌های صنعتی ایران به تفکیک مالکیت‌های تعاونی، خصوصی و عمومی مورد استفاده قرار گرفته است. اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و توجه ویژه سیاست‌گذاران به این بخش با توجه نقش به سزای آنها در اشتغال‌زایی* در سال‌های اخیر باعث شد تا استفاده از این دو معیار به جای محاسبه برای تمام بنگاه‌ها فقط بر بنگاه‌های کوچک و متوسط متمرکز شود. به‌رغم تعریف‌های متعدد موجود در ادبیات حوزه بنگاه‌های کوچک و

*. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: (Roper, 2001; Hart & Hanvey, 1995; Storey, 1998; Birch, 1979, 1981).

متوسط* تعریف بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ و هم‌چنین کمتر از ۵۰ نفر کارگر، تعریف‌های متداول این بنگاه‌ها در ایران قلمداد می‌شود. بر این اساس مقاله حاضر تعریف کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به کار برده است.

افزون بر این، همان‌طور که درباره داده‌های مورد استفاده برای محاسبه معیار بهره‌وری نیروی کار و مزد و حقوق پرداختی توضیح داده شد، ورود و خروج بنگاه‌های تولیدی به صنایع ایران مانعی برای بررسی‌های دقیق درباره نقش آنها در پدیدساختن اشتغال تلقی می‌شود. در چنین شرایطی تشخیص وضعیت بنگاه و چگونگی تغییر اشتغال آنها، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است؛ بنابراین نیازمند پی‌گیری بنگاه در طول زمان است. بر این اساس، تحقیق حاضر برای محاسبه اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع بنگاه‌ها نیز، سال ابتدای دوره (۱۳۷۴) را مبنا در نظر گرفته و وضعیت بنگاه‌های موجود در پایان دوره را مبنای تحلیل‌های خود قرار داده است. و ورود بنگاه‌های جدید کنترل شده است.

توزیع داده‌های مورد مطالعه به تفکیک مالکیت و براساس تعریف کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در سال ابتدای دوره مورد مطالعه در جایگاه جامعه آماری این بخش، در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. محدود کردن داده‌های این بخش نسبت به کل داده‌های مورد استفاده برای محاسبه بهره‌وری عامل‌های تولید و بهره‌وری مزد و حقوق، با وجود تقلیل تعداد بنگاه‌های بخش تعاونی به ۲۵۰ بنگاه، سهم آنها را در میان بخش‌های دیگر به ۲/۵ درصد افزایش داده است. کاهش سهم بنگاه‌های دولتی از ۹/۵ به کمتر از ۶ درصد، در برابر افزایش سهم بنگاه‌های بخش‌های دیگر (تعاونی و خصوصی)، مؤید بزرگ‌تر بودن بنگاه‌های دولتی در مقایسه با بخش‌های تعاونی و خصوصی است. مقایسه تعداد شاغلان نیز این موضوع را تأیید می‌کند، چه در میان بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر سهم اشتغال بخش‌های تعاونی و خصوصی افزایش یافته

*. به‌طور نمونه در ژاپن بنگاه‌هایی که کمتر از ۵۰ نفر شاغل داشته باشند یا اینکه مجموع دارایی ثبت شده آنها از ۱۰ میلیون ین کمتر باشد، به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط خدماتی تلقی می‌شوند. در حالی که در این کشور بنگاه‌هایی با کمتر از ۳۰۰ نفر شاغل یا مجموع دارایی کمتر از ۱۰۰ میلیون ین، به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی شمرده می‌شوند. در سنگاپور بنگاه‌های کوچک و متوسط خدماتی - تجاری، شامل آن دسته از بنگاه‌هایی است که حداکثر تعداد شاغلان آنها ۱۰۰ نفر باشد. برای مطالعه بیشتر در این باره به سیاست‌های صنایع کوچک (۱۳۸۰) مراجعه شود.

است (اشتغال بخش تعاونی از ۱/۲ درصد به بیش از ۲ درصد و اشتغال بخش خصوصی از حدود ۵۶ درصد به حدود ۹۰ درصد). این در حالی است که سهم اشتغال بخش عمومی به حدود یک ششم (از بیش از ۴۳ درصد به ۷/۸ درصد) کاهش یافته است. جدول شماره ۲: توزیع بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ کارگر در سال ۱۳۷۴

نوع مالکیت	بنگاه‌ها		کل شاغلان	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
تعاونی	۲۵۰	۲.۵	۵۷۹۰	۲.۴
خصوصی	۹۰۲۶	۹۲.۰	۲۲۱۳۱۱	۸۹.۹
عمومی	۵۳۰	۵.۴	۱۹۱۱۷	۷.۸
جمع	۹۸۰۶	۱۰۰.۰	۲۴۶۲۱۸	۱۰۰.۰

منبع: یافته‌های محقق.

بنابراین در یک جمع‌بندی از وصف داده‌های مورد استفاده تحقیق حاضر می‌توان گفت در محاسبه بهره‌وری نیروی کار (بر حسب ارزش تولید و ارزش افزوده) و بهره‌وری مزد و حقوق تمام بنگاه‌های موجود در هر یک از سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه مورد تحلیل قرار گرفته است. در حالی که اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش آنها در پدیدساختن اشتغال باعث شده تا در محاسبه اشتغال نسبی پدیدآمده و رشد سریع تعداد کارگران بنگاه‌های تولیدی، فقط بنگاه‌های با کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر در سال ابتدای برنامه مبنای تحلیل‌های این دو معیار قرار گیرد.

معیارهای ارزیابی عملکرد بنگاه‌های صنعتی به تفکیک مالکیت

أ. بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید)

بهره‌وری نیروی کار آن میزان ارزش ستانده یا ارزش افزوده‌ای است که به وسیله یک واحد نیروی کار پدید می‌آید. این شاخص با تمام سادگی از مهمترین تعریف‌های این حوزه و با عنوان بهره‌وری جزئی (Partial productivity) نیروی کار شمرده می‌شود. بنابراین، بهره‌وری جزئی عامل‌های تولید، به صورت نسبت کل ستاده بنگاه به نهاده تولیدی مورد نظر اندازه‌گیری می‌شود (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۵). ستانده بنگاه نتیجه به کارگیری

و تعامل تمام نهاده‌هایی است که در امر تولید مورد استفاده قرار گرفته‌اند و نیروی کار نیز یکی از این عامل‌ها است. نیروی کار در جایگاه مهمترین عامل تولید در برخی صنایع می‌تواند تقریب خوبی برای بهره‌وری کل عامل‌های تولید شمرده شده و از این جهت اهمیت دارد (زرآذینژاد و قنادی، ۱۳۸۴). شاخص جزئی بهره‌وری نیروی کار را می‌توان از تقسیم مقدار تولید یا ارزش افزوده بنگاه به تعداد کارگران آن به دست آورد (وافی نجار، ۱۳۸۵). چنانکه مقدار ستاده یا ارزش افزوده بنگاه تولیدی در محدوده زمانی معین بر تعداد نیروی کار آن تقسیم شود، بهره‌وری نیروی کار به صورت تولید سرانه / ارزش افزوده سرانه به دست می‌آید (رابطه شماره ۱ و ۲) و تولید به ازای هر نفر شاغل یا تولید متوسط هر واحد از نیروی کار را اندازه‌گیری می‌کند. استفاده از شاخص سرانه نیروی کار به مفهوم پیش‌گفته یا ارزش افزوده سرانه نیروی کار از شاخص‌های معروفی است که برای ارزیابی بهره‌وری نیروی کار در ادبیات اقتصادی و مدیریتی به صورت‌های گوناگون در ایران و جهان مورد استفاده قرار گرفته است. این معیارها هم‌چنین در سازمان‌های رسمی که در این حوزه فعالیت می‌کنند پذیرفته است.* از این رو با توجه به موضوع اصلی مقاله در صورتی تأکید بر تعاونی‌سازی توجیه‌پذیر است که تولید متوسط یک نفر کارگر در بخش تعاونی دست‌کم برابر با تولید متوسط کارگر دیگر در بخش خصوصی باشد. بهره‌وری نیروی کار نخستین معیار مقایسه عملکرد مالکیت‌های سه‌گانه در مقاله حاضر است.

$$LP_Q = \frac{\text{Total Output}}{\text{Total Employees}} = \frac{Q}{L} \quad (1)$$

(Q): ارزش ستانده و L: تعداد نیروی کار).

نتیجه‌های حاصل از این معیار برای سال ابتدای برنامه دوم در جدول شماره ۳ آمده است. در این معیار، بخش دولتی با بیش از ۸۵ میلیون ریال به ازای هر نفر کارگر بیشترین

*. برای مطالعه بیشتر رک: امامی‌میلیدی، ۱۳۸۴: ۳۰ - ۲۴؛ خاک، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۲۱؛ ابطحی و کاظمی، ۱۳۸۳: ۹۶-۹۴؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵: ۶۵؛ APO, 2008؛ ILO, 2005 و هم‌چنین سایت www.apo_tokyo.org.

ستانده را تولید کرده است. بهره‌وری نیروی کار در بخش خصوصی و تعاونی به ترتیب با حدود ۶۰ و ۵۰ میلیون ریال بعد از بخش دولتی قرار گرفته است. شایان ذکر است که افزایش سرمایه سرانه (به ازای هر نفر نیروی کار) بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد و ناهمگنی نیروی کار نیز می‌تواند باعث تفاوت بهره‌وری شود. بنابراین بهره‌وری بیشتر در بخش‌های عمومی و خصوصی نسبت به بخش تعاونی را می‌توان در سرمایه سرانه بیشتر در آن دو بخش و عدم تجانس نیروی کار این بخش‌ها جست‌وجو کرد.

جدول ۳: بهره‌وری نیروی کار به تفکیک مالکیت در سال ۱۳۷۴ (میلیون ریال)

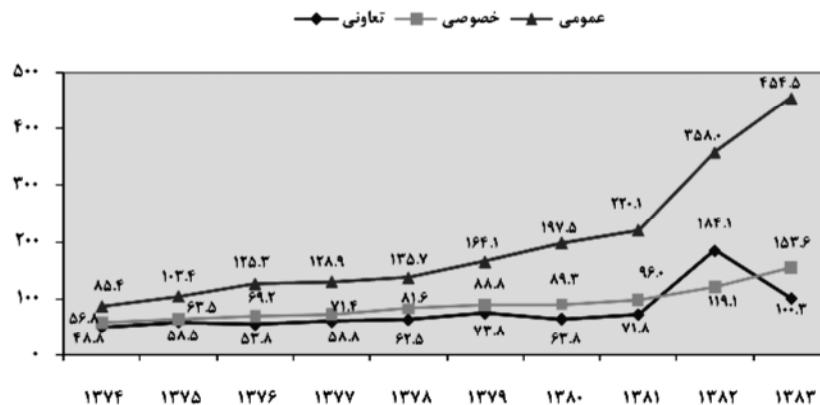
نوع مالکیت	شاغلان	ارزش ستانده	بهره‌وری نیروی کار
تعاونی	۹,۳۳۴	۴۵۵,۴۰۴	۴۸.۸
خصوصی	۴۴۰,۷۳۲	۲۵,۰۳۹,۴۶۵	۵۶.۸
دولتی	۳۴۲,۹۰۶	۲۹,۲۸۲,۰۷۳	۸۵.۴
جمع	۷۹۲,۹۷۲	۵۴,۷۷۶,۹۴۲	۶۹.۱

منبع: یافته‌های محقق.

چگونگی تغییر بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید) طی سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه به تفکیک مالکیت از نمودار شماره ۱ قابل مشاهده است. برای امکان مقایسه بهره‌وری نیروی کار در سال‌های مورد مطالعه، ستانده پدیدآمده در هر سال به قیمت سال پایه ۱۳۷۵ محاسبه شده است. همان‌طور که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، در تمام سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه (به استثنای سال ۱۳۸۲) بهره‌وری بخش تعاون کمتر از دیگر بخش‌ها بوده است. این در حالی است که تفاوت میان بهره‌وری نیروی کار در بخش خصوصی و تعاونی، اگرچه به میزان اندک و به نفع خصوصی افزایش یافته است. با چنین روندی فزونی روند بهره‌وری بخش تعاونی در سال ۱۳۸۲ نسبت به بخش خصوصی را فقط می‌توان ناشی از عامل بیرونی مانند: حمایت‌های اقتصادی از این بخش دانست. چنانکه در سال ۱۳۸۳ (سال پایانی برنامه سوم) دوباره بهره‌وری نیروی کار در بخش خصوصی به مراتب بیش از بهره‌وری نیروی کار در بخش تعاونی است. افزون بر این، روندهای موجود نمایانگر آن است

که میان بهره‌وری نیروی کار بخش تعاونی و خصوصی با بهره‌وری بخش دولتی تفاوت چشم‌گیری وجود دارد.

نمودار ۱: تغییر بهره‌وری نیروی کار برحسب ارزش تولید، به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ (میلیون ریال)



ب. بهره‌وری نیروی کار (بر حسب ارزش افزوده)

ارزش افزوده پدیدآمده به ازای هر نفر کارگر به صورت بهره‌وری نیروی کار برحسب ارزش افزوده در بنگاه‌های تولیدی، معیار دیگری است که برای مقایسه عملکرد بنگاه‌های هر بخش مدنظر قرار گرفته و از راه رابطه شماره (۲) قابل محاسبه است:

$$LP_{va} = \frac{Total\ Value\ Added}{Total\ Employees} = \frac{VA}{L} \quad (2)$$

(VA: ارزش ستانده و L: تعداد نیروی کار).

بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش افزوده در سال ۱۳۷۴ به صورت سال ابتدای برنامه

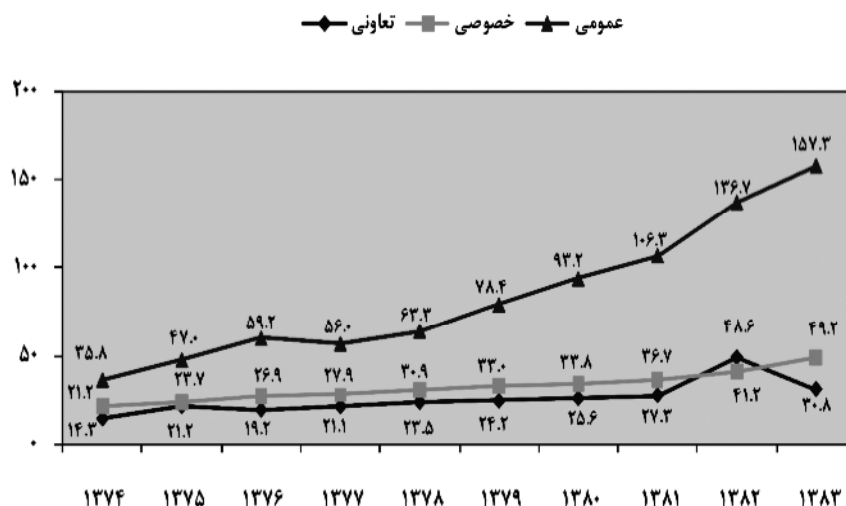
به تفکیک مالکیت و بر حسب میلیون ریال در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: توزیع بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش افزوده در سال ۱۳۷۴ (میلیون ریال)

نوع مالکیت	شاغلان	ارزش افزوده	بهره‌وری نیروی کار
تعاونی	۹,۳۳۴	۱۳۳۱۴۰	۳,۴۱
خصوصی	۴۴۰,۷۳۲	۹۳۵۴۹۹۱	۲۱.۲
عمومی	۳۴۲,۹۰۶	۱۲۲۷۰۹۰۳	۳۵.۸
جمع	۷۹۲,۹۷۲	۲۱۷۵۹۰۳۴	۲۷.۴

منبع: یافته‌های محقق.

نتیجه‌های این جدول بیانگر این است که بخش عمومی با نزدیک به ۳۶ میلیون ریال بیشترین و بخش تعاون با حدود ۱۴ میلیون ریال به ازای هر نفر کارگر کمترین ارزش افزوده را پدید آورده اند. ارزش افزوده سرانه پدیدآمده در بخش خصوصی با حدود ۲۱ میلیون ریال بعد از بخش عمومی قرار دارد. روند تغییرهای سرانه ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ در نمودار شماره ۲ به تصویر کشیده شده و بیانگر این است که روند مشاهده شده برای بهره‌وری نیروی کار بر حسب تولید به طور کامل مشابه، اما با تفاوتی اندک برای سال ۱۳۸۲ در معیار بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش افزوده نیز قابل مشاهده است. نمودار ۲: روند بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش افزوده، به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ (میلیون ریال)



ج. بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی

بهره‌وری نیروی کار بر حسب تولید یا ارزش افزوده اگرچه به صورت گسترده در ادبیات این حوزه استفاده شده است اما این معیار فقط زمانی می‌تواند در بنگاه‌های صنعتی بخش‌های متفاوت قابل مقایسه باشد که سرمایه سرانه در تمام بخش‌ها یکسان و نیروی کار شاغل آنها نیز همگن تلقی شود. این در حالی است که عملاً نمی‌توان چنین فرضی را درباره نیروی کار و سرمایه سرانه تصور کرد. بنابراین برای رفع این نقیصه و امکان مقایسه، نسبت ارزش افزوده به مزد و حقوق پرداختی به نیروی کار در جایگاه یکی دیگر از معیارهای سودآوری در مطالعه عملکرد بخش‌های تعاونی،

خصوصی و دولتی و براساس رابطه شماره (۳) مورد استفاده قرار گرفته است. نتیجه‌های حاصل از این معیار در سال ۱۳۷۴ در جدول ۵ و نمودار شماره ۳ نشان داده شده است.

$$WP_{VA} = \frac{\text{Total Value Aded}}{\text{Total Wages and Salaries}} = \frac{VA}{W} \quad (3)$$

(VA: ارزش ستانده و W: جمع مزد و حقوق پرداختی).

جدول ۵: توزیع شاخص بازدهی تولیدات در سال ۱۳۷۴ (میلیون ریال)

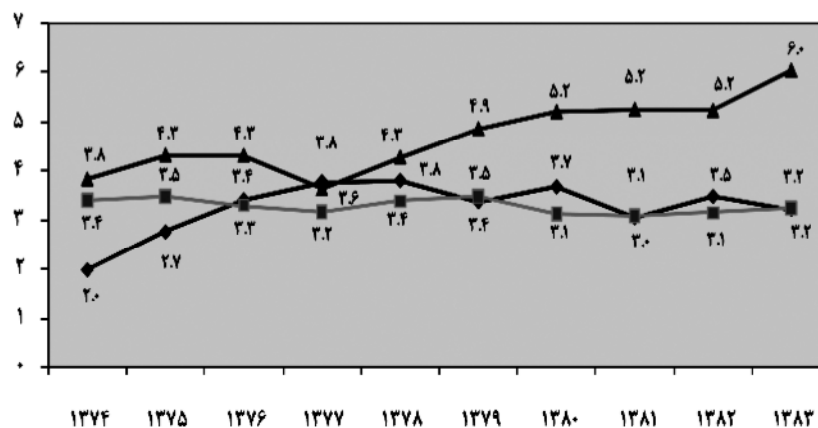
نوع مالکیت	ارزش افزوده	ارزش دستمزد	بهره‌وری مزد و حقوق
تعاونی	۶۸,۰۸۹	۱۳۳,۱۴۰	۲
خصوصی	۲,۷۵۲,۹۹۰	۹,۳۵۴,۹۹۱	۳.۴
عمومی	۳,۲۰۹,۲۹۷	۱۲,۲۷۰,۹۰۳	۳.۸
جمع	۶,۰۳۰,۳۷۶	۲۱,۷۵۹,۰۳۴	۳.۶

منبع: یافته‌های محقق.

۱۴۷

همان‌طور که از جدول مشخص است، در سال ۱۳۷۴ ارزش افزوده پدیدآمده به‌وسیله بخش عمومی حدود ۴ برابر دستمزد پرداختی به کارکنان بوده است. بخش خصوصی از این لحاظ اختلاف کمی با بخش عمومی داشت. و بخش تعاونی فقط ۲ برابر دستمزد پرداختی به کارکنان ارزش افزوده پدید آورده و از جایگاه پایین‌تری برخوردار است. نمودار ۳: روند تغییر بهره‌وری مزد و حقوق، به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ (میلیون ریال)

عمومی — خصوصی — تعاونی



روند تغییر بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی به تفکیک مالکیت طی برنامه دوم و سوم توسعه در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است. اگرچه مانند بهره‌وری نیروی کار بر حسب ارزش تولید و ارزش افزوده، بخش دولتی بهره‌وری مزد و حقوق بیشتری را تقریباً در تمام سال‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد، اما مقایسه بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی در دو بخش خصوصی و تعاونی قابل تأمل است. در حالی که در سال‌های ابتدایی برنامه دوم بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی در بخش خصوصی بیشتر از بخش تعاونی است، در سال میانی برنامه دوم، بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی در هر دو بخش یکسان است. بخش تعاونی پس از سال ۱۳۷۶ همواره توانسته است بهره‌وری مزد و حقوق بیشتر یا دست‌کم همسان با بهره‌وری بخش خصوصی تجربه کند.

د. اشتغال نسبی پدید آمده

از آنجایی که امروزه معضل بیکاری مشکل اکثر جوامع است و برنامه‌های سیاست‌گذاران در جهت رفع این معضل اجتماعی تدوین می‌شود، بررسی نقش بخش‌های تعاونی، خصوصی و دولتی در اشتغال نسبی، مبنایی برای مقایسه عملکرد آنها قرار گرفته است. نقش و اهمیت به‌سزای بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال نیز از سوی دیگر، باعث شده تا تمرکز اصلی بر مقایسه اشتغال نسبی پدیدآمده به‌وسیله این بنگاه‌ها قرار داده شود. بر این اساس، این بخش به مقایسه اشتغال نسبی پدیدآمده در بنگاه‌های کوچک و متوسط به تفکیک مالکیت طی برنامه‌های دوم و سوم اختصاص یافته است.

به‌رغم وجود مدل‌های متعدد برای اندازه‌گیری اشتغال (Roper, 2001; Broersma & Gautier, 1997)، در پژوهش حاضر از مدل مطالعه ولگاریس (Voulgaris et al, 2005) در سال ۲۰۰۵ استفاده شده است. این مطالعه، رشد اشتغال بنگاه‌های موجود در صنعت و هم‌چنین ورود بنگاه‌های جدید را زمینه‌ساز فراهم‌ساختن شغل دانسته و اشتغال پدیدآمده در بخش I ام در زمان t ام از رابطه (۴) محاسبه می‌شود:

$$JC_{It} = \sum_{i \in S_I} (N_{it} - N_{it-1}) + \sum_{i \in E_I} (N_{it}) \quad (4)$$

در این رابطه N_{it} و N_{it-1} به ترتیب اشتغال بنگاه i ام در زمان t و t-۱ ام را نشان می‌دهد. S_I مجموعه بنگاه‌های باقی‌مانده در بخش I و E_I مجموع بنگاه‌های وارد شده به

بخش I است. همان طور که در بخش معرفی داده‌ها مطرح شد، از آنجایی که براساس ویژگی خاص داده‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر، ورود بنگاه‌های جدید به صنعت کنترل شده است، رشد بنگاه‌های موجود فقط عامل پدیدساختن اشتغال تلقی می‌شود.

در جدول شماره ۶ اشتغال نسبی پدیدآمده در بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر در بخش صنعت به تفکیک مالکیت محاسبه شده است. همان طور که مشاهده می‌شود از میان ۹۸۰۶ بنگاه با کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر، فقط ۲۹۱۵ بنگاه (حدود ۳۰ درصد) تا پایان برنامه باقی مانده و اشتغال خود را افزایش داده‌اند. در میان بنگاه‌های پدیدآورنده شغل، بیش از ۹۳ درصد از آنها متعلق به بخش خصوصی، ۴/۳ درصد بخش عمومی و فقط حدود ۲ درصد در بخش تعاونی فعالیت داشته‌اند. به عبارت دیگر، نزدیک به ۲۶ درصد (۶۴ بنگاه از ۲۵۰ بنگاه) از کل بنگاه‌های موجود در بخش تعاونی از ابتدای دوره تا پایان آن اشتغال خود را افزایش داده و حدود ۲ درصد از اشتغال پدیدآمده را به خود اختصاص داده‌اند. از بین بنگاه‌های بخش خصوصی نیز ۳۰/۲ درصد از بنگاه‌ها (۲۷۲۷ بنگاه) اشتغال خود را افزایش داده و ۹۲ درصد از اشتغال را پدید آورده‌اند. ۲۳/۴ درصد از بنگاه‌های بخش دولتی (عمومی) هم (۱۲۴ بنگاه) از این ویژگی برخوردار بوده و حدود ۶ درصد اشتغال را پدید آورده‌اند. بنابراین، همان طور که مشاهده می‌شود بخش تعاون به علت سهم کمتر خود در تعداد بنگاه‌های تولیدی، نسبت به بخش‌های دیگر، اشتغال کمتری را به خود اختصاص داده و پس از بخش‌های دولتی و خصوصی از نظر اشتغال‌زایی قرار دارد.

جدول ۶: اشتغال نسبی پدیدآمده در بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ کارگر به تفکیک مالکیت طی برنامه دوم توسعه

نوع مالکیت	بنگاه‌ها در سال ۱۳۷۴		بنگاه‌های پدیدآمده شغل		کل شاغلان در سال ۱۳۷۴		بنگاه‌ها در سال ۱۳۷۴		درصد افزایش اشتغال
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
تعاونی	۲۵۰	۲,۵	۶۴	۲,۲	۲,۴	۵۷۹۰	۲,۵	۲۵۰	۲۵/۶
خصوصی	۹۰۲۶	۹۲,۰	۲۷۲۷	۹۳,۶	۸۹,۹	۲۲۱۳۱۱	۹۲,۰	۹۰۲۶	۳۰/۲
دولتی	۵۳۰	۵,۴	۱۲۴	۴,۳	۷,۸	۱۹۱۱۷	۵,۴	۵۳۰	۲۳/۴
جمع	۹۸۰۶	۱۰۰,۰	۲۹۱۵	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۲۴۶۲۱۸	۱۰۰,۰	۹۸۰۶	۲۹/۷

منبع: یافته‌های محقق

هد رشد سریع

تأکید بر ایجاد اشتغال از راه رشد بنگاه‌های موجود به جای پدیدساختن بنگاه‌های جدید به صورت سیاست اقتصادی، موضوعی است که در بسیاری از موردها، به‌ویژه هنگامی که بنگاه‌های موجود در اقتصاد در ظرفیتی کمتر از ظرفیت بهینه فعالیت می‌کنند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. با وجود این، این حقیقت که در میان بنگاه‌های دارای رشد، برخی از بنگاه‌ها از رشد سریع‌تری نسبت به بنگاه‌های دیگر برخوردار هستند نیز کاربرد و اهمیت فراوانی در حوزه اقتصاد صنعتی و سیاست‌گذاری‌های اشتغال به خود اختصاص داده است.

به‌رغم معرفی متغیرهای متفاوتی مانند: میزان فروش، ارزش افزوده و میزان دارایی‌ها در جایگاه معیار رشد بنگاه،* در کشورهایمانند ایران که بیکاری، معضل اصلی تلقی می‌شود، سطح اشتغال یا تعداد کارکنان به عنوان واحد اندازه‌گیری رشد از اهمیت بیشتری برخوردار است (Laursen, Mahnke & Vejrup - Hansen, 1999). بر این اساس، در تحقیق حاضر افزون بر معیارهای بهره‌وری نیروی کار (بر حسب ارزش تولید و ارزش افزوده)، بهره‌وری مزد و حقوق پرداختی و ایجاد اشتغال نسبی، رشد سریع براساس اشتغال نیز برای مقایسه عملکرد بخش‌های تعاونی، خصوصی و دولتی مدنظر قرار گرفته است.

اگر رشد را به‌صورت تغییر در اندازه بنگاه در فاصله میان دو زمان متفاوت (t', t) فرض کنیم، در این صورت می‌توان مدل‌های رشد مطلق و نسبی را برای اندازه‌گیری رشد معرفی کرد.** در مقایسه با معیار رشد مطلق، رشد نسبی بیشترین کاربرد را در ارزیابی رشد بنگاه به خود اختصاص داده و افزون بر آن رشد متوسط ۱۰ درصدی سالیانه در ادبیات این حوزه به‌صورت معیاری با بیشترین کاربرد معرفی شده است (Storey, 1998). بر این اساس، معیار پیش‌گفته مبنای اندازه‌گیری رشد سریع در پژوهش حاضر قرار گرفته است.

$$G_{it't'}^2 = \frac{EMP_{it} - EMP_{it'}}{EMP_{it'}} \quad (5)$$

با چنین تصویری، از میان تمام بنگاه‌های موجود در سال ۱۳۷۴، ۹۸۰۶ بنگاه را بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ نفر کارگر تشکیل داده‌اند که برای محاسبه رشد سریع براساس معیار

*. به‌طور مثال، O'Regan و همکارانش (2006) در جدیدترین تحقیق انجام شده در این حوزه، میزان فروش را معیاری برای اندازه‌گیری رشد سریع در نظر گرفته‌اند.

** مدل‌های دیگری برای اندازه‌گیری رشد ارائه شده است. برای مطالعه بیشتر رک: (Feizpour, 2003; Wiklund, 1998).

رشد متوسط سالیانه ۱۰ درصد فقط ۴۲۳۷ بنگاه تا سال ۱۳۸۳ در صنایع تولیدی ایران باقی مانده‌اند. از مجموع بنگاه‌هایی که مورد محاسبه قرار گرفته‌اند، فقط ۱۶ درصد آنها رشدی سریع را از خود نشان داده و بقیه چنین رشدی را تجربه نکرده‌اند. بخش خصوصی از نظر در بر گرفتن بنگاه‌های با رشد سریع بیشترین سهم را به خود اختصاص داده، به طوری که از میان بنگاه‌هایی مشغول به فعالیت در این بخش حدود ۱۶ درصد رشد سریع را تجربه کرده‌اند. این میزان برای بنگاه‌های فعال در بخش عمومی حدود ۱۵ درصد و برای بنگاه‌های فعال در بخش تعاون حدود ۱۳ درصد است (جدول شماره ۷). براساس یافته‌های پیش گفته، بخش تعاون از حیث داشتن بنگاه‌های با رشد سریع نیز عملکرد ضعیف‌تری نسبت به بخش خصوصی و دولتی را نشان می‌دهد.

جدول ۷: توزیع بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ کارگر با رشد سالیانه ۱۰ درصد

وضعیت مالکیت		عدم رشد سریع	رشد سریع	کل
تعاونی	تعداد	۹۱	۱۴	۱۰۵
	درصد	۸۶,۷	۱۳,۳	۱۰۰,۰
خصوصی	تعداد	۳۲۸۴	۶۳۲	۳۹۱۶
	درصد	۸۳,۹	۱۶,۱	۱۰۰,۰
دولتی (عمومی)	تعداد	۱۸۴	۳۲	۲۱۶
	درصد	۸۵,۲	۱۴,۸	۱۰۰,۰
جمع	تعداد	۳۵۵۹	۶۷۸	۴۲۳۷
	درصد	۸۴,۰	۱۶,۰	۱۰۰,۰

منبع: یافته‌های محقق.

یافته‌های تحقیق

اگرچه با توجه به تمام معیارهای به کار رفته تا کنون، بخش تعاون طی دوره مورد بررسی نسبت به بخش‌های دیگر، عملکرد ضعیف‌تری را از خود نشان داده و در جایگاه پایین‌تری قرار دارد، اما برای اطمینان از یافته‌های پیش گفته، و قضاوتی صحیح لازم است تا رویکردهای دیگر در اندازه‌گیری عملکرد بر حسب معیارهای پیش گفته مدنظر قرار گیرد. رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید و ارزش افزوده) و مزد و حقوق و هم‌چنین اشتغال نسبی پدیدآمده نسبت به اشتغال ابتدای دوره از این مقوله است.

۱. رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید و ارزش افزوده)

نتیجه‌های حاصل از محاسبه بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید و ارزش افزوده) نمایانگر بهره‌وری کمتر بخش تعاونی نسبت به بخش خصوصی در تمام سال‌ها به استثنای سال ۱۳۸۲ است. جداول شماره ۸ و ۹ بهره‌وری سالانه نیروی کار را بر حسب تولید و ارزش افزوده و به تفکیک بخش‌های تعاونی، خصوصی و دولتی نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود اگرچه نمی‌توان با توجه به نوسان‌های متعدد رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های پیش‌گفته به قضاوتی روشن درباره برتری بخشی بر دیگری دست یافت، اما برای امکان دستیابی به چنین قضاوتی در سه ستون آخر جداول ۸ و ۹، متوسط رشد سالانه بهره‌وری، انحراف معیار آن و نیز ضریب پراکندگی رشد سالانه محاسبه شده است.* مقایسه متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار بر حسب هر دو معیار تولید و ارزش افزوده طی دوره مورد بررسی عملکرد به نسبت پایین‌تر بخش تعاونی را نسبت به دو بخش دیگر نشان می‌دهد. افزون بر آن، انحراف معیار متوسط رشد سالیانه نیز نمایانگر پراکندگی به مراتب بیشتری در بخش تعاونی است. ضریب پراکندگی رشد بهره‌وری نیروی کار بر حسب دو معیار تولید و ارزش افزوده به عنوان مهم‌ترین مشخص‌کننده نسبی پراکندگی نیز، نمایانگر تفاوت فاحش عملکرد بخش تعاون نسبت به دیگر بخش‌ها است. جدول ۸: رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید) طی برنامه دوم و سوم ۸۳ - ۱۳۷۴

نوع مالکیت	۵۷-۶۸	۶۹-۷۸	۷۹-۸۸	۸۹-۹۸	۹۹-۰۸	۰۹-۱۷	۱۸-۲۷	متوسط رشد	انحراف معیار	ضریب پراکندگی	
تعاونی	۱.۲۰	۰.۹۲	۱.۰۹	۱.۰۶	۱.۱۸	۰.۸۶	۱.۱۲	۲.۵۶	۰.۵۵	۱.۰۸	۵۱.۷۲
خصوصی	۱.۱۲	۱.۰۹	۱.۱۴	۱.۰۷	۱.۰۹	۱.۰۱	۱.۲۴	۱.۲۹	۱.۱۲	۰.۰۹	۸۳.۰
عمومی	۱.۲۱	۱.۲۱	۱.۰۳	۱.۰۵	۱.۲۱	۱.۲۰	۱.۶۳	۱.۲۷	۱.۲۰	۰.۱۷	۱۴.۴۸

منبع: یافته‌های محقق

* در شرایطی که مقادیر سالیانه متغیری نزدیک به هم بوده یا از نوسان‌های متعددی برخوردار باشد، متوسط رشد، انحراف معیار و ضریب پراکندگی که به صورت نسبت انحراف معیار رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار به میانگین آن برای بیان تمایز عملکرد بین مالکیت‌های گوناگون و برای تعدیل نوسان‌های گوناگون در کنار پراکندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، معیارهای مناسبی برای قضاوت نهایی برتری معیاری بر معیار دیگر است.

جدول ۹: رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار (بر حسب ارزش افزوده) طی برنامه دوم و سوم ۱۳۷۴-۸۳

نوع مالکیت	۷۵-۶۸	۶۵-۷۳	۷۳-۷۸	۷۸-۷۹	۷۹-۸۰	۸۰-۸۱	۸۱-۸۲	۸۲-۸۳	متوسط رشد	انحراف معیار	ضریب پراکندگی
تعاونی	۱.۴۸	۰.۹۱	۱.۱۱	۱.۰۳	۱.۰۶	۱.۰۷	۱.۷۸	۰.۶۳	۱.۰۹	۰.۳۳	۳۰.۱
خصوصی	۱.۱۲	۱.۱۴	۱.۱۱	۱.۰۷	۱.۰۳	۱.۰۸	۱.۱۲	۱.۱۹	۱.۱۰	۰.۰۵	۴.۷
عمومی	۱.۳۱	۱.۲۶	۱.۱۳	۱.۲۴	۱.۱۹	۱.۱۴	۱.۲۹	۱.۱۵	۱.۱۸	۰.۱۱	۹.۴

منبع: یافته‌های محقق.

۲. رشد سالانه بهره‌وری مزد و حقوق و روند آن

اگرچه با معیار رشد بهره‌وری مزد و حقوق، بخش تعاون عملکردی یکسان یا بهتر از بخش خصوصی را از سال میانی برنامه دوم تا سال پایانی برنامه سوم نشان داده است اما دوباره برای اطمینان از نتیجه‌های حاصل لازم است تا رشد سالانه بهره‌وری مزد و حقوق در بخش‌های تعاونی، خصوصی و دولتی محاسبه و با یکدیگر مقایسه شود. جدول شماره ۱۰ متوسط نرخ رشد بهره‌وری مزد و حقوق را طی سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه نشان می‌دهد؛ مانند جدول‌های شماره ۸ و ۹، سه ستون آخر به متوسط رشد سالیانه، انحراف معیار و ضریب پراکندگی رشد سالیانه مزد و حقوق اختصاص یافته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اگرچه متوسط رشد بهره‌وری مزد و حقوق بخش تعاونی نسبت به بخش‌های دیگر اندکی بیشتر است، اما مقایسه انحراف معیار رشد بهره‌وری مزد و حقوق نمایانگر پراکندگی بیشتر از حیث این شاخص عملکردی در بخش تعاونی است. از نگاه مدیریتی، این خود به منزله عدم ثبات بیشتر در بخش تعاونی است.

جدول ۱۰: رشد بهره‌وری مزد و حقوق به تفکیک مالکیت طی سال‌های برنامه دوم و سوم

نوع مالکیت	۷۵-۶۸	۶۵-۷۳	۷۳-۷۸	۷۸-۷۹	۷۹-۸۰	۸۰-۸۱	۸۱-۸۲	۸۲-۸۳	متوسط رشد	انحراف معیار	ضریب پراکندگی
تعاونی	۱.۴۰	۱.۲۴	۱.۱۱	۱.۰۱	۰.۸۹	۱.۰۹	۰.۸۳	۱.۱۴	۱.۰۶	۰.۱۴	۱۳.۴
خصوصی	۱.۰۲	۰.۹۵	۱.۰۶	۱.۰۲	۰.۹۱	۰.۹۸	۱.۰۲	۱.۰۳	۰.۹۹	۰.۰۵	۵.۱
دولتی	۱.۱۳	۱.۰۰	۱.۱۸	۱.۱۴	۱.۰۷	۱.۰۱	۱.۰۰	۱.۱۵	۱.۰۵	۰.۱۱	۱۰.۶

منبع: یافته‌های محقق.

۳. اشتغال نسبی پدیدآمده طی دوره مورد بررسی

از آنجایی که بخش تعاون تعداد بنگاه کمتری را به خود اختصاص داده است، اشتغال آن نیز به مراتب کمتر از بخش‌های خصوصی و دولتی است؛ بنابراین، نمی‌توان اشتغال مطلق پدیدآمده را معیار دقیقی برای مقایسه اشتغال‌زایی این بخش نسبت به بخش‌های دیگر دانست. از این‌رو، در این بخش مقایسه اشتغال نسبی پدیدآمده در هر یک از بخش‌های سه‌گانه با توجه به اشتغال ابتدای دوره این بخش‌ها مدنظر قرار گرفته است.

جدول شماره ۱۱ درصد بنگاه‌های پدیدآورنده اشتغال و سهم آنها را در اشتغال نسبی پدیدآمده نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود اگرچه بخش تعاون در مقایسه با بخش دولتی نسبت بالاتری از بنگاه‌های اشتغال‌زا را در خود جای داده است، اما در مقایسه با بخش خصوصی از نظر این نسبت مقداری به مراتب کمتر را دارد. بنابر این فقط با استفاده از این نسبت نمی‌توان به عملکرد بهتر بخش تعاونی نسبت به بخش دولتی قضاوت کرد. چنانکه عمده بنگاه‌های موجود در بخش دولتی را بنگاه‌هایی بزرگ و عمده بنگاه‌های بخش تعاونی را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهد. برای برطرف کردن این نقیصه در ستون آخر جدول شماره ۱۱ اشتغال نسبی پدیدآمده به تفکیک هر بخش نشان داده شده است. با چنین معیاری که از هر حیث از قابلیت اعتماد بیشتری نیز برخوردار است، سهم بخش تعاون از اشتغال پدیدآمده به صورت نسبی در مقایسه با هر دو بخش دیگر کمتر است. با این وجود تفاوت میان بخش تعاونی و خصوصی از حیث این شاخص عملکردی، تفاوتی به مراتب قابل ملاحظه‌تر از تفاوت میان بخش تعاونی و دولتی است.

جدول ۱۱: اشتغال نسبی پدیدآمده به تفکیک مالکیت طی برنامه دوم توسعه

نوع مالکیت	درصد بنگاه‌های افزایش‌دهنده اشتغال	کل شاغلان در ابتدای دوره	مجموع اشتغال پدیدآمده	اشتغال نسبی پدیدآمده
تعاونی	۲۵/۶	۵۷۹۰	۱۵۹۳	۲۷.۵
خصوصی	۳۰/۲	۲۲۱۳۱۱	۸۴۰۹۱	۳۸.۰
دولتی	۲۳/۴	۱۹۱۱۷	۵۷۵۸	۳۰.۱
جمع	۲۹/۷	۲۴۶۲۱۸	۹۱۴۴۲	۳۷.۱

منبع: یافته‌های محقق.

نتیجه‌گیری

از نگاه صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی، رویکرد تعاون را باید یکی از پایه‌های اساسی پیروزی و تداوم حیات اسلام شمرد و از این‌رو شرع مقدس، مجوز فعالیت تعاونی‌ها را صادر و مورد تأکید قرار داده است (سرآبادانی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). بر این اساس و با پذیرش تأکید بر تعاون به‌وسیله مکتب اقتصادی اسلام، محققان اقتصاد اسلامی بر این باور هستند که نباید پیدایش تعاونی را از ویژگی‌های دنیای جدید، و به‌طور عمده غرب دانست (توتونچیان، ۱۳۸۱). از نگاه آنها تأکید پیامبر اکرم ﷺ در صدور دستور مشارکت و تعاون، تبیین اصل کلی انجام آن بوده است. اگر چه برداشت امروزه از مشارکت و تعاون، با آنچه در زمان پیامبر اکرم ﷺ تبیین شده است، تفاوت محسوسی دارد (سرآبادانی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

۱۵۵

بر این اساس، پژوهش حاضر کوشیده است تا تشابه و تمایز عملکردی بخش تعاون در نگاه مصطلح امروز را، در مقایسه با دو بخش دیگر اقتصاد - بخش خصوصی و دولتی - در بخش صنایع تولیدی ایران، مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. اگرچه می‌توان عملکرد این بخش را در مقایسه با بخش‌های دیگر از زاویه‌های متعددی مورد بررسی قرار داد، اما بخش تعاون برای ماندگاری در جایگاه بخشی فعال در اقتصاد باید بکوشد تا زمینه‌های عملکردی خود را در تمام زمینه‌ها ارتقا دهد. عدم توجه به چنین موضوعی می‌تواند حیات اقتصادی بخش تعاون را به‌صورت مجرایی برای تحقق اقتصاد اسلامی تهدید کند.

مقاله حاضر پاسخی به جایگاه عملکرد بخش تعاون در اقتصاد ایران، در مقایسه با بخش‌های دیگر است. نتیجه‌های مطالعه حاضر بیانگر آن است که:

۱. طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه و از نظر بهره‌وری نیروی کار (بر حسب تولید و ارزش افزوده) بخش تعاون به استثنای سال ۱۳۸۲ همواره عملکردی کمتر از بخش‌های خصوصی و دولتی را تجربه کرده است. این بخش همچنین نتوانسته است تفاوت بهره‌وری نیروی کار را با بخش‌های دیگر در طی دوره مورد مطالعه کاهش دهد. در این صورت و با توجه به روند پیش‌گفته فزونی بهره‌وری بخش تعاون نسبت به بخش خصوصی در سال ۱۳۸۲ را فقط می‌توان ناشی از عاملی خارجی توجیه کرد؛

۲. عملکرد بخش‌های اقتصادی با استفاده از معیار بهره‌وری مزد و حقوق نیز به‌رغم فزونی یا تساوی این معیار در بخش تعاون نسبت به بخش خصوصی، مؤید آن است که بخش تعاون از ثبات لازم در این شاخص عملکردی برخوردار نیست. چنانکه همواره مشخص‌کننده‌های پراکندگی بهره‌وری مزد و حقوق در بخش تعاونی از بخش‌های دیگر بیشتر است. این موضوع نه تنها برای بهره‌وری مزد و حقوق، بلکه برای دیگر معیارهای عملکردی، یعنی رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار بر حسب تولید و ارزش افزوده نیز صادق است؛

۳. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد بخش تعاون از نظر اشتغال نسبی پدیدآمده (با توجه به اشتغال ابتدای دوره) و رشد سریع نیز پس از بخش دولتی و خصوصی قرار گرفته است؛ بنابراین، از نظر اشتغال‌زایی نیز عملکرد ضعیف‌تری را نسبت به آنها از خود نشان داده است.

در مجموع و با توجه به مجموعه نتیجه‌های مقاله حاضر، همچنین با معیارهای معرفی شده در این پژوهش، تعاونی‌سازی به جای خصوصی‌سازی فقط با ارتقای بهره‌وری در بخش تعاون نسبت به بخش خصوصی و نیز دستیابی این بخش به سطحی از بهره‌وری معادل بخش خصوصی توجیه‌پذیر خواهد بود.

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. آذربایجان، کریم، عمادزاده، مصطفی و امیری، فرهاد، ۱۳۸۵ش، «اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل بهره‌وری عوامل تولید معادن کشور در سال ۱۳۸۱»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بهره‌وری و توسعه، ۱، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.
۲. انصاری، محمدجعفر، دیرباز، عسگر، کرمی، محمد مهدی و کرمی، محمدحسین، ۱۳۷۸ش، *درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، اول.
۳. توتونچیان، ایرج، ۱۳۸۱ش، «تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن»، *مجله تعاون*، ش ۱۳۷.
۴. ———، ۱۳۸۴ش، «بررسی زوایای اسلامی تعاون»، *مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه*.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱ش، *مبانی اقتصاد اسلامی*، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت)، اول.
۶. زراءنژاد، منصور و قنادی، بهروز، ۱۳۸۴ش، «تخمین تابع بهره‌وری نیروی کار در بخش صنایع استان خوزستان»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۲۴.
۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان، ۱۳۸۵ش، *مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، ۴، تهران: معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.
۸. سایه‌میری، علی، ۱۳۸۴ش، «اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری در تعاونی‌های تولیدی در مقایسه با بخش خصوصی»، *مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه*.
۹. سرآبادانی، غلام‌رضا، ۱۳۸۳ش، «اقتصاد تعاونی در اسلام»، *فصلنامه علمی*

- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، ش ۱۴.
۱۰. سوری، علی، ۱۳۸۴ش، «وضعیت اشتغال در تعاونی‌های صنعتی و مقایسه آن با بخش خصوصی و دولتی»، مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه.
۱۱. شیخی، غفور، ۱۳۸۷ش، نقش تعاونی‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: بررسی‌های علوم اجتماعی و مباحث پژوهشگری.
۱۲. صمدی، علی‌حسین و تابنده، فاطمه، ۱۳۸۴ش، «جایگاه بخش تعاون در اشتغال‌زایی: یک بررسی تطبیقی»، مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی‌تا، المیزان، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. عبادی، جعفر، ۱۳۷۰ش، مباحثی در اقتصاد خرد (بازارها، تعادل عمومی و اقتصاد رفاه)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، هفتم.
۱۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹ش، «طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور ۱۳۷۸»، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، تهران: مرکز آمار ایران.
۱۶. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۵ش، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ اصلاحات و تغییرات و تتمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، تهران: نشر دوران، ۴۳.
۱۷. نوفرستی، محمد، ۱۳۷۴ش، آمار در اقتصاد و بازرگانی، ۱، تهران: خدمات فرهنگی رسا، سیزدهم.
۱۸. وافی نجار، داریوش، ۱۳۸۵ش، «محاسبه بهره‌وری کل عوامل (TFP) در بخش نفت و گاز»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بهره‌وری و توسعه، ۱، تبریز، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.
۱۹. وزارت تعاون، ۱۳۸۷ش، همایش ملی تعاون و کارآفرینی، ورامین: معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج تعاون، دفتر ترویج و توسعه مشارکت‌های مردمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین.

ب. انگلیسی

1. Birch, D, 1979, *the Job Generation Process*, Cambridge.
2. _____, 1981, Who Creates Jobs? *The Public Interest*, 65.
3. Broersma, L. and P. Gautier, 1997, Job Creation and Job Destruction by Small Firms: An Empirical Investigation for the Dutch Manufacturing Sector. *Small Business Economics*, 9.
4. Feizpour, M. Ali, 2003, Manufacturing Industrial Change and the Role of Small and Medium-size Enterprises in Iran., Business School, University of Newcastle upon Tyne.
5. Hart, M. and E.Hanvey, 1995, Job Generation and New and Small Firms: Some Evidence from the Late 1980s. *Small Business Economics*, 7.
6. Laursen, K., V. Mahnke, et al, 1999, Firm Growth from a Knowledge Structure Perspective. *Danish Research Unit for Industrial Dynamics*.
7. O'regan, N., A. Ghobadian and D. Gallear, 2006, "In Search of the Drivers of High Growth in Manufacturing SMEs", *Technovation*, Vol. 26.
8. Roper, S, 2001, Job Creation and Destruction in Northern Ireland: 1973_93. Belfast, Northern Ireland Economic Research Centre, Queen's University of Belfast.
9. Storey, D. J, 1998, The Ten Percenters, *SME Center, University of Warwick*.
10. Voulgaris, F., T. Papadogonas, et al, 2005, Job Creation and Job Destruction in Greek Manufacturing. *Review of Development Economics*, 9(2)
11. Wiklund, J, 1998, Small Firms Growth and Performance Entrepreneurship and Beyond. Jonkoping International Business School. Jonkoping